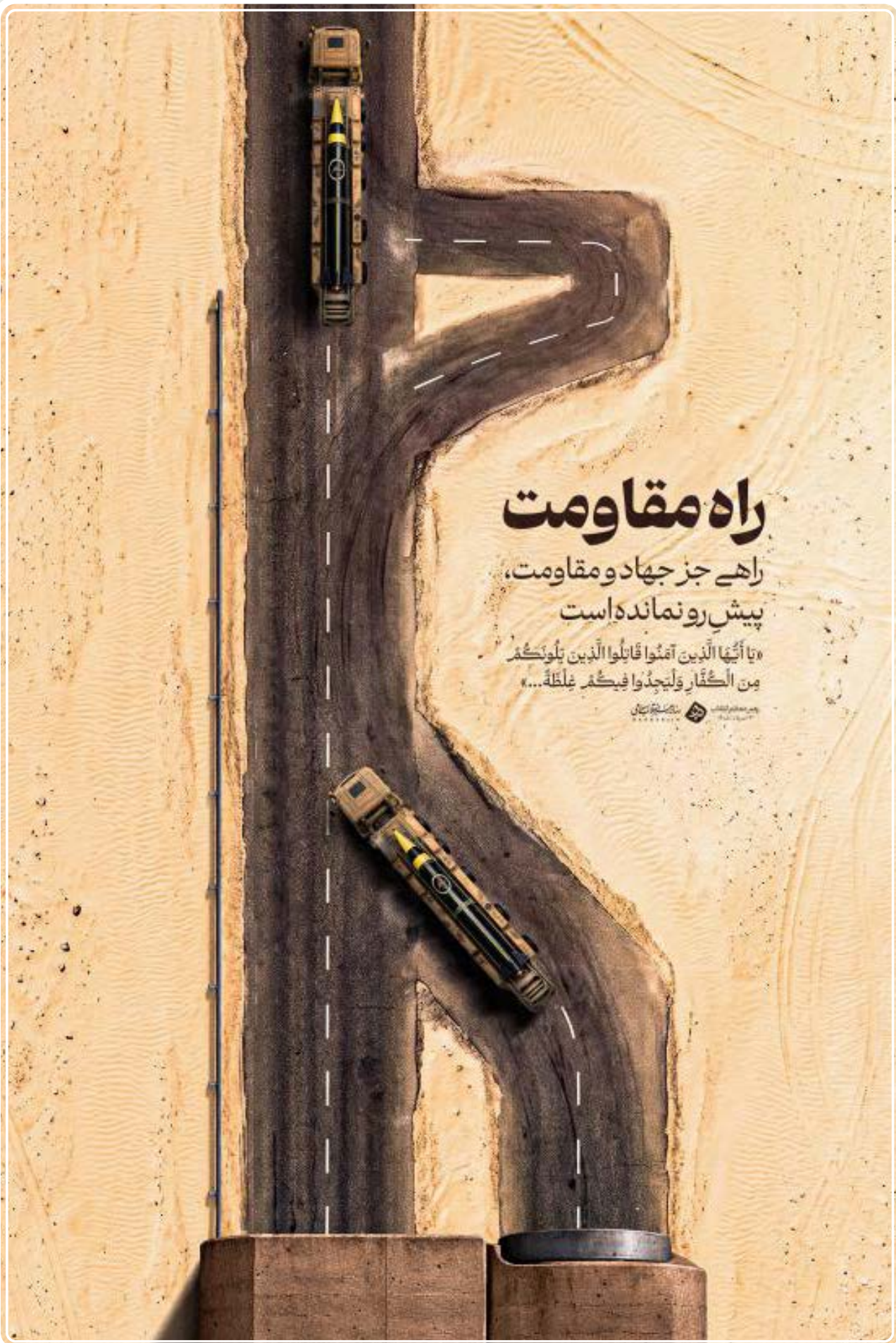
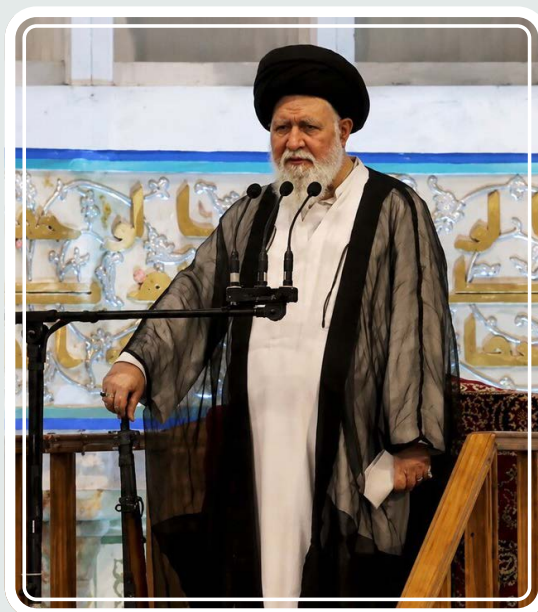




بسم الله الرحمن الرحيم

نماز جمعه مشهد مقدس

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.



متعال از بنده مؤمن و عبادت‌کننده مورد قبول و پذیرش است، واقعیت ایمان است، نه اظهار و شعار ایمان. واقعیت ایمان برای خدا مشخص و معلوم است، اما دو عامل دارد که باید این واقعیت به منصهٔ بروز در بیاید: یک جهت آن این است که بر خود انسان ثابت بشود ایمانش یک ایمان خیالی و پنداری است یا ایمان واقعی؛ جهت دوم برای اینکه در مسیر این فتنه و آزمایشی که انسان قرار می‌گیرد، مرتکب سلسله خیرات و مبرّاتی می‌شود، عبادت‌هایی انجام می‌دهد که مقامات او را در درگاه ذات مقدّس ربوبی بالا می‌برد و بر شخصیت و کمال معنوی این انسان افزوده می‌شود. از این دو جهت آزمایش لازم است.

در این آیه شریفه از آزمایش، تعبیر به فتنه شده: ﴿وَهُمْ لَا يَفْتَنُونَ﴾. فتنه در لغت عرب از «فتنة الذهب» گرفته شده است. آن هنگامی که طلا را در میان آتش می‌گذارند و گداخته می‌کنند، واقعیت طلا، عیار طلا و میزان ارزش او به وسیلهٔ این آتش و مقاومت طلا در برابر این آتش مشخص می‌شود. این آتش را می‌گویند «فتنة الذهب»؛ یعنی ابزار آزمایش طلا. مجموعهٔ فتنه‌هایی که در عرصهٔ زندگانی ما، در مسیر عبودیت ما در درگاه خدا، یا در جریان مسلمانی

فلسفهٔ آزمایش بندگان از طرف خداوند

ذات مقدّس پروردگار در دومین آیهٔ سورهٔ مبارکهٔ عنکبوت می‌فرماید: ﴿أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾؛ آیا مردم چنین می‌پندارند که همین که گفتند ایمان آوردیم، دیگر از آن‌ها قبول بشود و از آن‌ها پذیرفته شود در حالی که مورد آزمایش و فتنه قرار نگیرند؟

این آیه شریفه حاکی از این است که در درگاه خدا اظهار ایمان و شعار ایمان کفایت نمی‌کند. آنچه در درگاه خداوند

و دین‌مداری ما به وجود می‌آید، همه این‌ها ابزار برای آزمایش ما و مشخص کردن عیار و میزان واقعیّت ایمان ما در درگاه مقدّس پروردگار است. به هر مقداری که عیار ایمانمان در این فتنه و آزمایش بالاتر باشد، واقعیّت ایمان ما در یک درجهٔ عالی‌تری قرار می‌گیرد.

قرآن می‌گوید آیا مردم چنین پنداشتند که وقتی گفتند: ﴿آمَنَّا﴾،

ایمان آوردیم، دیگر از این‌ها دست برداشته می‌شود؟ ﴿أَن يُّزَكَّوْا﴾ این‌ها رها می‌شوند؟! خوب همین که گفتند: ﴿آمَنَّا﴾ تمام است؟! بیایند در زمرهٔ مسلمان‌ها و شناسنامه‌شان شناسنامهٔ مسلمانی باشد، آیا این کفایت می‌کند؟ قرآن می‌گوید این‌جوری نیست که به صرف اینکه افراد شعار دادند، اظهار ایمان کردند، از آن‌ها پذیرفته بشود، در حالی که این‌ها مورد آزمایش از طریق فتنه قرار نگیرند.

در این آیهٔ شریفه سه شأن نزول وارد شده است. شأن

نزول اول را مرحوم طبرسی صاحب مجمع‌البیان نقل می‌کند، می‌گوید شأن نزول این آیه جریان عمار یاسر است. عمار یاسر پدرش اولین شهید در اسلام بود. در زیر شکنجهٔ کفار قریش این پدر به شهادت رسید. مادرش هم در زیر شکنجهٔ کفار قریش جان داد و به

شهادت رسید. وقتی این زن و شوهر را به شهادت رساندند، به سراغ پسر تازه جوان‌شان آمدند که عمار باشد. او را شکنجه دادند که تو حتماً بایستی از اسلام دست برداری، پدر و مادرت شهید شدند در راه این شکنجه. ولی عمار به هیچ وجه دست برنداشت و در نهایت کفار ناامید شدند، این جوان را رها کردند، نجات پیدا کرده

در این جریان، عمار یاسر است در مقابل شهادت پدر و مادری که در زیر شکنجه به شهادت رسیدند. مرحوم طبرسی می‌فرماید: شأن نزول آیه عمار یاسر است که در مقابل دشمن مقاومت کرد و حاضر نشد از اسلام دست بردارد.

شأن نزول دوم را جلال‌الدین سیوطی مفسر عامه و اهل سنت در تفسیر «الدرالمنثور» بیان کرده، می‌گوید: «وقتی پیغمبر اکرم ﷺ به مدینه هجرت کردند، مسلمانان مدینه نامه می‌نوشتند به مسلمانان مکه و از آن‌ها

دعوت کردند که برای نجات از شر کفار به مدینه هجرت کنند. این نامه‌ها باعث آغاز هجرت جمع زیادی از مسلمانان مکه به طرف مدینه شد. کفار قریش برای اینکه جلوی این هجرت را بگیرند، سر راه مسلمان‌ها می‌گرفتند، آن‌ها را با زور برمی‌گرداندند مکه؛ دست و پا

محور فتنه‌ای که باعث می‌شود واقعیّت ایمان روشن بشود، مقاومت در خط ایمان است و ایستادگی در خط ایمان است. این مشخص‌کنندهٔ واقعیّت ایمان است. یعنی اگر مردم گفتند: ﴿آمَنَّا﴾، ما ایمان آوردیم، اما آنجایی که دشمن دست به توطئه و فتنه‌ای می‌زند که آن‌ها را از بین ببرد، اگر به‌خاطر خدا مقاومت کردند، آن هم در خط دفاع از دین، معلوم می‌شود این ایمان واقعیّت دارد؛ اما اگر مقاومت نکنند، این ایمان واقعیّت ندارد

نزول آیه بر مبنای آن دو تفسیر، یک تفسیر شیعی، تفسیر مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان، یک تفسیر سنی، تفسیر جلال‌الدین سیوطی در الدر المنثور، به دست می‌آید، محور فتنه‌ای که باعث می‌شود واقعیت ایمان روشن بشود، مقاومت در خط ایمان است و ایستادگی در خط ایمان است. این مشخص‌کننده واقعیت ایمان است. یعنی اگر مردم گفتند: ﴿آمَنَّا﴾، ما ایمان آوردیم، اما آنجایی که دشمن دست به توطئه و فتنه‌ای می‌زند که آن‌ها را از بین ببرد، اگر به‌خاطر خدا مقاومت کردند، آن هم در خط دفاع از دین، معلوم می‌شود این ایمان واقعیت دارد؛ اما اگر مقاومت نکنند، این ایمان واقعیت ندارد.

معمولاً متدینین ما دو دسته‌اند:

بسته آن‌ها را زندانی می‌کردند و شکنجه می‌دادند؛ اما این‌ها حاضر نبودند از اسلام و پیغمبر ﷺ دست بردارند. الدر المنثور می‌گوید: «این آیه شأن نزولش مسلمانانی است که کفار قریش آن‌ها را به زور برگرداندند.»^۱ تفسیر سوم مال ضحاک است که هیچ تناسبی با این تفسیر ندارد. ضحاک می‌گوید شأن نزول این آیه منافقین‌اند. عده‌ای از منافقین به پیغمبر ﷺ اظهار ایمان می‌کردند، اما همین که مورد اذیت و آزار کفار قرار می‌گرفتند، از ایمان برمی‌گشتند، شروع می‌کردند به پیغمبر ﷺ دشنام دادن. و آیه در مورد آن‌ها نازل شده که این اظهار ایمان به درد نمی‌خورد: ﴿وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾.

برادران و خواهران، آنچه که در دو شأن



او گفتم: 'اگر یک روزی به تو می‌گفتند جانت را هم بده تا اسلام حاکم بشود، حاضر بودی جان بدهی؟' توی فکر رفت و جوابی نداد. برای دین حاضر بود سرمایه‌گذاری کند تا مرز پول اما نه تا مرز جان. دوران دفاع مقدس بود، به او گفتم: 'برادر عزیز! این آقای رزمنده‌ای که در جبهه جانش را در مقابل دشمن آماج گلوله و خمپاره قرار داده است، از جناب‌عالی خیلی با فضیلت‌تر است، چون او حاضر شده جانش را بدهد.'

برادران و خواهران، یک عده دنبال دین بی‌دردسرنده، دینی که برایشان مشکل ایجاد نکند. نمازشان را بخوانند، روزه‌شان را بگیرند، زیارت عاشورایشان را بخوانند، زیارت امام رضا (ع) بیایند، عمره را هم انجام بدهند،

به زیارت کربلا بروند. هیچ مشکلی برایشان نباشد. بروند کربلا در هتل خیلی خوب، بخورند، بخوابند، بنشینند، امام حسین (ع) هم زیارت کنند. بروند مکه در یک هتل بسیار مجهز، بهترین غذا، بهترین نوشابه را صرف کنند و بعد عمره‌شان هم انجام بدهند. درحرم امام رضا (ع) بنشینند، هم زیارت جامعه بخوانند، هم زیارت عاشورا بخوانند، با خوبی و خوشی، بدون کوچک‌ترین خطر. این یک دینداری است. قرآن می‌گوید این دینداری را قبول ندارم: ﴿أَحْسِبْ

یک دسته از متدینین ما دنبال دین بی‌زحمت‌اند، دین بی‌هزینه، دینی که از آن‌ها پول نخواهد، دینی که از آن‌ها جان نخواهد، دینی که خطرناک نباشد، دینی که ریسک در زندگی‌شان ایجاد نکند، یک دین راحت بی‌دردسری که در هر صورت جریان عادی و معمولی زندگی خودشان را مثل همه مردم دنیا بگذرانند، با یک دعایی، با یک ثنایی، با

یک نماز و روزه‌ای این‌ها دیندار باشند. یک عده این جور می‌اند. داخل حرم امام رضا (ع) زیر باد کولر، روی فرش خیلی نرم و ملایم زیارت عاشورا را می‌خوانند. اما واقعاً حاضر است با این امام حسینی که زیارتش را روی فرش نرم، زیر باد کولر، در فضای زیبای حرم امام رضا (ع) می‌خواند، همراه بشود، برود با دشمنان خدا هم بجنگد؟ اینجا نه. دنبال دین بی‌زحمت است.

خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله عبدخدایی، رضوان‌الله تعالی علیه، ایشان می‌فرمودند: «من یک آشنایی داشتم رئیس کارخانه پتو بود، روزی به من گفت: «فلانی! اگر یک روزی به من می‌گفتند همه ثروت را بده، عرق‌فروشی‌های تهران را می‌بندند، من حاضر بودم همه ثروتم را بدهم عرق‌فروشی‌های تهران را ببندند. الحمدلله من ثروتم را نادم، انقلاب پیروز شد، عرق‌فروشی‌های تهران بسته شد.» ایشان می‌فرمودند: «من به

در این آیه شریفه از آزمایش، تعبیر به فتنه شده: ﴿وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾. فتنه در لغت عرب از «فتنة الذهب» گرفته شده است. آن هنگامی که طلا را در میان آتش می‌گذارند و گداخته می‌کنند، واقعیت طلا، عیار طلا و میزان ارزش او به وسیله آتش و مقاومت طلا در برابر این آتش مشخص می‌شود

از آنجا زنده‌ای بر نمی‌گردد، ۸۰ درصد احتمال می‌دهد شهید بشود، ۲۰ درصد احتمال می‌دهد زنده بیاید این طرف؛ با آدمی که بگوید آقا بنده، ایمانم به قدر همین زیارت عاشورای درحرم امام رضا علیه السلام است، اینها یک جورند. ﴿وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾. ما بایستی ثابت کنیم که ایمانمان ایمان واقعی است. بر خدا ثابت است، بر خود ما ثابت بشود ایمانمان چقدر واقعیت دارد و چقدر پای ایمانمان ایستاده‌ایم، چقدر در پای خدا و بندگی خدا و جهاد در راه خدا حاضریم ایستادگی کنیم.

۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۴۱.



النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا؛ این دینداری را قبول ندارم ﴿وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾. اگر در مقابل فتنه قرار گرفت، رفت در مقابل دشمن سینه‌به‌سینه ایستاد، شروع کرد مقابله‌کردن، جنگیدن، در محیط زندگی‌اش تا توانست فعالیت کرد، اسباب و وسایل و امکانات جنگ با دشمن را فراهم کرد، در میدان مجاهده حضور پیدا کرد، تا نیمه‌های شب، فریاد ضد دشمن سر داد، ایستاد، رزمنده را پشتیبانی کرد، خواه‌ناخواه ایمانش واقعیت دارد، چون مورد فتنه قرار گرفت و با ایمان از زیر بار فتنه بیرون آمد. این ارزش دارد. ﴿وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ و الا اگر این‌طور نباشد، مسلماً اظهار ایمان، شعار ایمان به درد نمی‌خورد.

این آیه شریفه قرآن است. گاهی از اوقات ما حرف‌هایی را می‌زنیم، بعضی از مؤمنین فکر می‌کنند که ما داریم از خودمان حرف می‌زنیم؛ نه این آیه قرآن است. خدا دارد می‌گوید: ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا﴾ مردم پنداشتند رها شدند، ول شدند، کسی به ایشان کار ندارد، ﴿أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا﴾ همین که گفتند ایمان داریم، دیگر ولشان می‌کنند، بروید دنبال زندگی‌تان؟! مثل یهودی‌ها زندگی کنید، مثل ارمنی‌ها لباس بپوشید، مثل آدم‌های بی‌دین لامذهب، بهترین سبک زندگی مادی را داشته باشید، یک دو رکعت نماز بی‌دردسر بخوانید، یک روزه بی‌دردسر هم بگیرید، تمام شد؟! ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ یعنی آن آقایی که امروز پشت لانچر ایستاده و

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز جمعه مشهد مقدس

به جنگ نیستیم تا چه رسد به بیست سال. ما جنگ نداریم با کسی. دشمن به ما تهاجم کرد، تجاوز کرد. در لحظه اول تجاوز، سرسخت‌ترین ضربه نابکار را بر دل و جگر این مردم وارد کرد. عزیزترین عزیزان این ملت، امام عزیز شهید را از ما گرفت. این دشمن تهاجم کرده، در مقابل این دشمن نباید دفاع کنیم؟! تا کی دفاع کنیم؟ یک وقت ما می‌خواهیم بجنگیم ما که با کسی جنگ نداریم. تا به الان هم با کسی جنگ نکردیم. از اول این همه مسائل مختلف ما داشتیم، ما با کسی درصدد جنگ بر نیامده‌ایم. دشمن جنگ کرده، دشمن تهاجم کرده، ما دفاع

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

دشمن متجاوز به دنبال تمام دین و دنیای ما

موقعیت فعلی کشور ما در مقابله با دشمن به نقطه بسیار حساس و جالب توجهی رسیده است. آقایی در یک سخنی اظهار داشته که شما از مردم بپرسید آیا مردم حاضرند تا بیست سال دیگر با یک ابرقدرت جنگ را ادامه بدهند یا حاضر نیستند؟! آیا کسی حاضر است واقعاً تا بیست سال دیگر با ابرقدرت روی کره زمین بجنگد؟ بنده به ایشان جواب می‌دهم نه‌خیر، یک روزش را هم حاضر



برتر باید مال ما باشد. تا به امروز هم همین‌جوری بوده است. الان قریب شش ماه است دشمن با همه قدرت ایستاده است، در همه جا آتش برتر با نیروی ما بوده نه با دشمن. ما دشمن را زدیم. به خاطر اینکه در دفاع بنایمان بر دفاع تهاجمی است نه دفاع انفعالی. ما باید تهاجمی دفاع کنیم. فرمان مقام معظم رهبری علیه السلام به عنوان فرمانده کل قوا هم در دفاع، دفاع تهاجمی است، دفاع انفعالی نیست. این دفاع تهاجمی،



مخصوصاً زمانی است که دشمن درصدد ترک جنگ بر بیاید. شرایط امروز آمریکا اقتضاء کرده که، هم داخل آمریکا، هم کشورهای دنیا، به سر آمریکا ریخته‌اند که این جنگ و این بستن تنگه هرمز، اقتصاد جهان را به هم ریخته و تو به وجود آورده‌ای. او هم فکر کرده هم برای انتخاباتی که در پیش رو دارد، هم برای جریان این فشاری که در داخل کشور خودش به او هست و اینکه قیمت نفت هم روزبه‌روز دارد بالاتر می‌رود و فشار اقتصادی را بیشتر می‌کند بر مردم

داریم می‌کنیم. تا کی باید دفاع کنیم؟ تا ده سال؟ تا بیست سال؟ نه‌خیر، تا دویست سال، تا سیصد سال. تا هر جا دشمن با ما بجنگد ما باید دفاع کنیم. این نیست که دشمن بخواهد بیاید با ما بجنگد، ما هم همه چیزمان را به دشمن بدهیم برویم کنار. این را چه کسی قبول می‌کند در این مملکت که بگوید آقا وقتی که دشمن آمد به جنگ شما، همه چیزتان را بدهید و بروید کنار بایستید تا او همه چیز شما را بگیرد. دشمن یک چیز که از ما نمی‌خواهد، دشمن همه چیز ما را می‌خواهد. و از همه بالاتر، ایمان ما را می‌خواهد، دین ما را می‌خواهد، پیغمبر صلی الله علیه و آله را از ما می‌خواهد، حضرت زهرا علیها السلام را از ما می‌خواهد، امام حسین علیه السلام را از ما می‌خواهد، امام زمان علیه السلام را از ما می‌خواهد. همه این‌ها را از ما می‌خواهد بگیرد. ما همه این‌ها را بدهیم؟! به یکی که تمام نمی‌شود. شما در داستان برجام هرچیز دشمن خواست به او دادید، تمام شد دیگر ول کرد؟! یا نتیجه آن برجام شما این جنگ الان شد؟! پس بنابراین تا دویست سال نه‌خیر، تا دو هزار سال، تا دویست هزار سال دشمن با ما بجنگد، ما باید دفاع کنیم.

دفاع انفعالی و تهاجمی؛ دو شیوه دفاع

دفاع بر دو قسم است، یک دفاع انفعالی داریم، یک دفاع تهاجمی داریم. دفاع انفعالی ما این است که دشمن بزند ما بزنیم. این می‌شود دفاع انفعالی؛ چنین دفاعی ما در اسلام نداریم. آنچه که برای ما مهم است دفاع تهاجمی است. دشمن آمد تجاوز کرد، ما باید به صورت تهاجم دفاع کنیم، یعنی آتش

دفاع تهاجمی رزمندگان با عنایات امام عصر علیه السلام

عزیزان رزمنده ما، خوشبختانه در این روزهای اخیر واقعاً هم دفاع را دفاع تهاجمی انجام دادند. یک هفته پیش، این‌ها با موشک برای اولین مرتبه ناو جنگی آمریکا را زدند. آمریکا فکر نمی‌کرد بتوانند با موشک ناو جنگی را بزنند، چون هر موشکی به طرف ناو جنگی بیاید رهگیری می‌شود، چطور موشک آمد به ناو جنگی اصابت کرد؟! این نشان همان غلظه‌ای است که قرآن دستور می‌دهد. بعد هم در مسئله زیردریایی ال دی که تصرف کردند، این بزرگ‌ترین نشان عظمت و قهرمانی رزمندگان ما و شکست آمریکا شد. یعنی در دنیا شکست آمریکا صدا کرد، چون این زیردریایی، زیردریایی ساده‌ای نبود.



آمریکا، یک جوری تنش‌های نظامی را مبدل کند به سلسله فسادها و فتنه‌های داخل کشور و در ظاهر تنش نظامی نداشته باشد. این نقشه آمریکاست. در مقام رفع تنش‌های نظامی، در این صدد برآمده خودش را پیروز نشان بدهد، ما را هم شکست‌خورده نشان بدهد. ما را هم طوری نشان بدهد که از جنگ دیگر خسته شده‌ایم، دیگر حال جنگیدن نداریم، ابزار جنگ نداریم، همه‌چیزمان از دست داده‌ایم و ما شکست خورده‌ایم، او پیروز است. می‌خواهد در مسئله رفع تنش نظامی هم دست به این کار بزند.

این علی‌الاصولی که مقام رهبری دام‌ظله فرمودند همین است. خوشبختانه تا به امروز در این جهت موفق نبوده است. الان بنا گذاشته که یک طرفه به اصطلاح جنگ و تنش نظامی را کم کند. اینجا ما به سراغ قرآن می‌رویم، قرآن به ما چه دستور می‌دهد؟ قرآن می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً**^۱ آن زمانی که کفار بنا دارند پشت به شما بکنند، تنش نظامی را کم کنند، شما اینها را بکشید، یه جوری بکشید که «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» از شما یک فشاری، یک غلظه‌ای و یک قدرت قوی و نیروی سرکوب‌کننده‌ای مشاهده کنند که دوباره جرئت نکنند برگردند. مقام معظم رهبری دام‌ظله در فرمانی که به عنوان دفاع تهاجمی صادر کردند، صدر فرمانشان این آیه قرآن بود. که بر حسب این آیه قرآن بایستی حرکت ما حرکت تهاجمی باشد.

دادند و از بین بردند. بر طبق گزارش سی‌بی‌اس نیوز که یک خبرگزاری خارجی است، می‌گوید رزمندگان ما در حمله‌ای که به اردن کردند حدود ۱۰ فروند جنگنده آمریکایی را نابود کردند و در حمله چند شب قبل تعداد زیادی از نیروهای آمریکایی را در اردن از بین بردند. موشک‌های ایرانی بر پایگاه‌های آمریکا در اردن وارد می‌شد، مردم اردن تکبیر می‌گفتند. در ۲۴ ساعت گذشته مرکز اورهال هواپیماهای آمریکا، جنگنده آمریکایی را در اردن رزمندگان ما زدند و از بین بردند.

این‌ها فقط اخبار جدید است. این همان است که قرآن می‌گوید: ﴿وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ حالا که دشمن می‌خواهد یک جوری تنش نظامی را کنار بگذارد، مشکلات خودش را حل کند، به سراغ تنش داخلی بیاید، شما غلظه‌ای به او نشان بدهید که دیگر برای همیشه از برخورد با شما پشیمان بشود.

آیا این قدرت را ما رها کنیم، از این

در جریان‌های رزم‌های دریایی آنچه در ظاهر دیده می‌شود دقیق نیست، یعنی نمی‌توانند روی دریا امکانات را دقیقاً حساب کنند چقدر و چه جور است؛ چون هوای دریا مرتب در حال دگرگونی است، درست دیده نمی‌شود. تنها راهی که برای ارزیابی توانمندی دریایی وجود دارد همین زیردریایی است که او را بفرستند با امکانات حسگر و امواج صوتی دقیقاً میزان موجودی و قدرت طرف مقابل را در رو و زیر دریا ارزیابی کند و گزارش بدهد. این‌ها زیردریایی را برای این فرستادند. این زیردریایی هوشمند بدون سرنشین جزو ابتکارات عظیم سلاح‌سازی جنگی آمریکا در زمان اخیر بوده است و عزیزان رزمنده ما آن را تصرف کردند و به غنیمت گرفتند. این همان معنای ﴿وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ است دشمن بداند ما تا کجاییم، قدرت ما تا کجاست، توان ما تا کجاست.

در ۲۴ ساعت گذشته عزیزان رزمنده ما دو کشتی جنگی آمریکا را هدف قرار



وضع بگذریم؟! این قلم شکسته‌هایی که این حرف‌ها را می‌نویسند و بیان می‌کنند، واقعاً از اخبار جنگ با خبرند؟! واقعاً وضعیت جنگ را دارند پیگیری می‌کنند؟ می‌دانند ما در چه شرایطی هستیم و دشمن در چه شرایطی؟ این‌ها از کجاست؟ مهم این است که ما بدانیم اینها از کجاست. بابا، اینکه هرچه موشک بزنند یک دانه‌اش رهگیری نشود و همه به هدف بخورد، به ناو آمریکایی‌ای که هیچ موشکی قدرت اصابت به آن را ندارد، هر موشکی رهگیری می‌شود، موشک بزنند و ناو را دچار خسارت کنند، اینها از کجاست؟ در یک حمله نه فروند جنگنده آمریکایی را از بین ببرند، این همه نیروی آمریکایی را نابود کنند در یک حمله؟! اینها کشتی جنگی آمریکا، دو تا کشتی آمریکا را در یک روز بزنند؟! در یک روز بیست تا کشتی زدند که هشت تا کشتی‌اش مربوط به عمان بوده و دوازده کشتی بوده‌اند که از مسیر انحرافی تنگه هرمز می‌خواستند بروند و زده‌اند. بیست کشتی را در یک روز رزمندگان ما زدند. این توانمندی از کجا به وجود آمده است؟ آیا این قدرت موشک ماست؟ این قدرت رزمندگان ماست؟ این نیروهای دفاعی ما هستند؟ نه عزیز من، این سر انگشت آن آقای پشت پرده‌نشین است. او تصمیم گرفته ما پیروز شویم، او می‌خواهد که ما بر دشمن غلبه پیدا کنیم. او تصمیم گرفته دشمن ما

را ذلیل کند و چون او می‌خواهد خدا هم همان را می‌خواهد، هرچه هم خدا بخواهد همان می‌شود. منتها بحث ما این است که ما این وسط منشأ قضیه را بفهمیم، بشناسیم. با همه تقدیری که از عزیزان رزمنده ما در این قهرمانی داریم، در عین حال باید توجه کنیم بر اینکه واقعاً این اثر سرانگشت آن آقای پشت پرده‌نشین ماست که فرمود: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَ لَنَا سِنَّ لِدِكْرِكُمْ».^۲ من هیچ وقت سرپرستی شما را از دست نمی‌دهم، مراقبتان هستم، یاد شما را فراموش نمی‌کنم، به یاد شما هستم. آقا مراقب ما است و ما بفهمیم و متوسل به او باشیم و به او توجه داشته باشیم. با عنایات آن حضرت همه مشکلات ما به وسیله قدرت لایزال الهی حل می‌شود، بر دشمن هم ما پیروز خواهیم شد.

حالا که دشمن می‌خواهد یک جوری تنش نظامی را کنار بگذارد، مشکلات خودش را حل کند، به سراغ تنش داخلی بیاید، شما غلظه‌ای به او نشان بدهید که دیگر برای همیشه از برخورد با شما پشیمان بشود

نکته‌ای هم می‌خواستم خدمت برادران و خواهران مشهدی عرض کنم. در مورد این چهار عزیزی که در این تجمع بر حسب تصادف به شهادت رسیدند مقام معظم رهبری دام‌طه فرمان صادر کردند که این‌ها به عنوان شهید قلمداد بشوند و پرونده شهید برای این‌ها تشکیل بشود. این هم از عنایات خاصه مقام معظم رهبری دام‌طه به این تجمعات و عزیزی است که در این تجمعات فداکاری می‌کنند.

۱. توبه، ۳۲۱.

۲. بحارالانوار، ج ۳۵، ۵۷۱.